



صبا

روزنامه فرهنگ و هنر

سرمقاله



ملیکا مومنی راد
دبیر سینما

پای مخاطب هم گیر است!

مدت زیادی نیست که از گردنه فیلم‌های تلخ و تاریک سینما عبور کردیم و به یکباره از آن سوی بام افتادیم و سیل فیلم‌های کمدی در سینمای ایران به راه افتاد. بیشتر اهالی سینما از هجوم فیلم‌های در اصطلاح کمدی که گاهی به زعم خیلی‌ها برچسب‌هایی از کم‌مایگی را به یدک می‌کشند، شکایت دارند و از نابود شدن سینمای اجتماعی زیر فشار موج این سیل می‌نالند. اما وخامت اوضاع ربطی به اوج آن یکی و افول آن دیگری ندارد. وخامت اوضاع آن جایی است که کمدی‌های سینمای ما اصلا کمدی نیستند؛ آن جایی است که بیشتر قریب به اتفاق فیلمسازان ما کمدی را نمی‌فهمند؛ آن جایی است که کمدی را نمی‌شناسند و انگار نه انگار که کمدی به واسطه نام‌هایی که پشت آن است در دنیا درخشش بی‌سابقه‌ای دارد؛ و وخامت اوضاع آن جایی است که مخاطب هم نشسته تا هر فیلمی را به خورد مغزش بدهند. ژانر غنی کمدی در سینمای ما به مدد دوستان تبدیل شده به روایت رویای ایرانی از نوع سخیف فیلم‌فارسی در یک کشور خارجی با یک بازیگر زن غیر ایرانی و... ابتدا، میانه و پایان بیشتر این آثار شبیه به هم است و تنها ادویه آن یکی کمی شور و دیگری کمی بی‌نمک‌تر است؛ هر چیزی هستند به جز خوش‌نمک! آن وقت برخی از این دوستان در توجیه کار خود می‌گویند نیاز مردم است و سنگ آن‌ها را به سینه می‌زنند، غافل از آن که سنگی در کار نیست، فقط نخ و قیچی است برای دوختن جیبی گشادتر! تکلیف این دسته از فیلمسازان مشخص است و کمتر امیدی به اصلاح آن‌ها وجود دارد. چیزی که این وسط باید از آن بترسیم خود مخاطب است؛ مخاطبی که اجازه می‌دهد برایش هر لقمه‌ای بگیرند و به خوردش بدهند. تقصیر فیلمسازان پای خودشان اما مخاطب هم کم‌مقصر نیست!

کمال تبریزی از «مارموز» به «صبا» می‌گوید

راه رفتن روی یک سیم باریک!

حواسمان باشد خرابکاری نکنیم

با ناصر چشم‌آذر و ناصر عبدالهی در ماه تولدشان

هم‌نامان خاطره‌ساز